

آمد؟ کی در زد؟

آمد؟ کی در زد؟ ...



آمد؟ کی در زد؟

تابستان

تق تق تق

کی آمد؟

کی در زد؟

به باغ ما کی سر زد؟

تابستان

با خورشید و آفتاب داغ

رسید و گفت: منم، منم

خورشید خانم یواشکی

نشسته روی دامنم

تابستان از راه رسید و دویدیم

تا که به سایه ای خنک رسیدیم

ما دویدیم توی اتاق

خنده کنان، خوشحال و شاد

مادر جونم فوری به ما

لباس تابستانی داد

وای که چقدر قشنگ و زیبا شدیم

مهمان تابستان و گرما شدیم

دنبال هم صف کشیدند

گل و گیاه و سبزه ها

سبزی و سیب زمینی داد

مزرعه قشنگ ما

نگاه کنید ، سیب زمینی چه ها شد !

بزرگ تر از مشت من و شما شد !

تابستان از راه که رسید

انگور دانه دانه داشت

او مهربان بود و با خود

گرمک و هندوانه داشت

نشستیم و حسابی خوردیم از آن

داد کشیدیم : چه خوبی ، ای تابستان !

گرما رسید از راه و ما

همه دویدیم سوی آب

ماهی شدیم ، یکی یکی

شالاپ ، پریدیم توی آب